

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میر عنایت الله آشفته
۹ جنوری ۲۰۱۳

کنفرانس پاریس از بُعد سیاسی- اقتصادی کثیرالجوانب است :

کنفرانس بازی های مبهم صلح ، توسط میزبانان کشور های متعدد، مقامات رسمی و انتفاعی، نهادها، و مؤسسات متفاوت، از آدرس های قبرس، مالدیف، پاکستان، جاپان، هند، ترکیه ، عربستان سعودی ، آلمان، انگلستان، قطر اخیراً فرانسه و احتمالاً کنفرانس بعدی خلاف میل دولت کابل، در عشق آباد، ب [منظور حل قضیه سیاسی (تقسیم قدرت بین زور مندان) به اصطلاح مبارزه علیه تروریسم ، ایجاد صلح و ثبات در کشور ما دایر خواهد گردید. خواستم همین نکته را مورد بحث قرار دهم.

اوضاع نا بسامان موجود کشور، حاصل کار ۳۳ سال اخیر نیروهای فعال و مدعیان انقلابی؟! وطن اعم از نیروهای چپ و راست از ۷ ثور ۱۳۵۷ تا امروز که مدعی نمایندگی از هموطنان مظلوم، کم سواد، بی سواد، مسلمان، سک، هندو، و کلیمی ما را می نمایند، با تأسف معترف به کوچکترین اشتباه خویش نبوده ، یک دیگر را مسؤول، وابسته، دست نشانده، دشمن، فروخته شده و ... خطاب نموده، خود ها، تشکیلات متعلق به خود ها و حتی قوم متعلق به خود ها را وکالتاً صادق و وطن دوست تلقی نموده و متباقی اجزای لایتجزای کشور را با درد و دریغ، فروخته شده و بیگانه معرفی می دارند.

خوشبختانه امروز عده ای از مردم ما پس از ۳۳ سال فاجعه بدون وقفه، به این بلاغت و شعور بالای سیاسی رسیده اند که می دانند " در دنیای سیاست دوست دایمی و دشمن دایمی وجود ندارد، آنچه دایمی می باشد منافع دایمی است " ، در مسایل کلان همانا منافع ملی مطرح است . (نیروهای سیاسی جامعه زمانی حمایت ملی کسب نموده می تواند که منافع غلیای کشور را، فارغ از قوم، زبان، سمت ، دین و مذهب پاسداری نمایند).

آنچه در فوق تذکر داده شد، متأسفانه، نیروهای درگیر فاقد آن بوده، اختلافات خطا ها و گناهان نا بخشودنی و بیگانه پرستی احزاب پشاور، مشهدی، تحریک طالبان ورژیم فاسد موجود، تکراری بوده که نیروهای افراطی چپ [۱] سوسیست خلق و پرچم مرتکب آن، گردیده بودند. زمان سقوط نظام وابسته به شوروی، عدم توافق به نمایندگی ملت مجاهد و مسلمان افغان، توسط به اصطلاح زعمای تنظیم ها، اشتراک و به نیابت افغان ها، به وسیله پاکستان و ایران در میز مذاکره صلح حضور یافتند، این خود به معنی فقدان شایستگی لازم رهبران و دست نشانده بودن شان را بیان مینمود! (رهائی به قیمت نهایت سنگین جانی ومالی، ملت افغان ، از چنگال یک رژیم دست نشانده به رژیم دست نشانده

دیگر). آنچه مقاومت مسلح امروز، دولت فاسد کنونی را دست نشانده و فاقد صلاحیت لازم می شمارد که یک واقعیت تلخ است، متوجه شرایط، ناگزیری ها و امکانات خود نیز باید باشند.

هر که نیاموخت از گذشت روزگار + هرگز نیاموزد ز هیچ آموزگار

حضور طالبان با حزب حکمتیار در پاریس، در کنار دولتی ها و رقبائی که خویشان را اپوزیسیون قلمداد می نمایند، بر علاوه اهمیت نمادینش می تواند به نحوی " شکست بن بست "، به نفع صلح تلقی گردد. مشروط بر صداقت طرفین و ادامه آن تا سرحد تعویض قدرت به شکل صلح آمیز، از طریق مراجعه به آرای ملت (انتخابات). به گمان این حقیر، مردم اسیر و به ستوه آمده، بنابر شناخت و سوابق شان هیچ طرفی را مستقل و به صفت نماینده خود تعیین و قبول ننموده اند. زیرا توسط همه (زورمندان دولتی غیر دولتی، مخالفین مسلح دولتی و قوای خارجی) شدیداً متضرر گردیده اند.

دلیلی که در شکل گیری تضادهای تنظیمی، جنگ های داخلی، ظهور تحریک طالبان و رقابت کشورهای دور و نزدیک در مداخله و به اصطلاح حل سیاسی قضیه افغانستان، نقش جدی و تأثیرگذار داشتند و دارند، همانا بحث نفت و بازی بزرگ نو در آسیای میانه، منابع، ذخایر و معادن سرشارما و موقعیت جیوپولیتیک افغانستان می باشد. به خصوص اهمیت این منابع زمانی نقش کلیدی و برجسته به خود می گیرد که نظریه پردازان قدرت های مطرح جهان، در خدمت کمپنی های بزرگ و شبکه های جهانی چون انرژی، اسلحه، مواد مخدر و... قرار دارند، تشخیص می نمایند که ادامه جنگ به نام تروریسم به چه شیوه و شعار صلح و تأمین منافع اقتصادی چند ملیتی و چند جانبه توسط " شاه لوله های نفت و گاز، عامل پیام صلح در افغانستان و منطقه ارزیابی شود " در حال حاضر کشورهای کویت، امارات متحده عربی و ترکیه برای داوطلبی نهائی استخراج نفت و گاز این پروژه انتخاب شده اند.

شاه لوله ها از مسیر ترکمنستان، افغانستان، پاکستان، هند، چین و ترکیه، عبور داده می شود. پس از یازده سال حضور قوای امریکا- ناتو، صرف نظر از ندانم کاری غربی ها، و متضرر ساختن جدی بافت مردم افغانستان در قدرت و تحمیل جنگ طولانی و ظالمانه در مناطق پشتون نشین و سرحدی، با داشتن آگاهی کامل از حضور نیروهای قدرت مند و فعال اعراب، شامل سعودی، مصری، عراقی، یمنی، مسلمانان سیاه پوست امریکائی، تانزانیا، سودان، کنیا، مالیزیا، فلپین، بنگله دیش، چین، ازبکستان، تاجیکستان، ایران پاکستان و... زیر نظارت و حمایت مستقیم آی اس آی، همه را نادیده انگاشته و تمام خرابکاری و آدم کشی ها را به یک قوم گره کردن، عملیست دور از انصاف و خلاف تمام موازینی که جهان غرب آن را اذعان می دارد. جالبتر از همه این گشتار در حالی صورت می گیرد که رهبری دولت و مقاومت مسلح هر دو مدعی عدالت و ملی بودن را دارند.

به صراحت باید گفت: کشاندن نیروهای طالبان و جناح حکمتیار در کنفرانس ها و ایجاد دفتر در قطر یک ضرورت نظامی، سیاسی و اقتصادی است. ولی بلند پروازی ها و انتقام گیری های سیاست مردان عقده مند دولت بی کفایت و فاسد از یک سو، حمایت از نیروی مقاومت مسلح از سوی دیگر و تبنائی بی باکانه قوای ائتلاف [۲] در هردو جهت، عامل بن بست موجود، دانسته شده که زمینه مداخله سیاسی - نظامی امریکا را جهت حفظ و تأمین بیشتر منفعت های شان، دست به یک سلسله سازش های جدید با قدرت های تأثیرگذار منطقه و افغان بزنند. زیرا ادامه وضع موجود نه در افغانستان ممکن است و نه در توان امریکا و متحدین ناتو و اروپائی اش دیده شده می تواند.

بازیگر چندپهلوی و غرق در افراطیت، یعنی پاکستان تلاش دارد جهان را متقاعد گرداند که اگر صلحی در افغانستان به وجود آید، صرف از طریق پاکستان امکان پذیر است و بس! اگر قرار باشد برای لوله های نفت سرمایه گذاری صورت گیرد و یا تصفیه خانه هائی ساخته شود، باز هم پاکستان دست بالا در همه امور به خصوص پس از ۲۰۱۴ داشته باشد. از همین رو چراغ سبز به نیروهای ائتلاف شمال داده می شود و رابطه دوستی؟! با عبدالله عبدالله باز مینمایند، یا از

مجرای " شورای نام نهاد صلح صلاح الدین ربانی" تلاش می نمایند، یا از دوستی و کنار آمدن بیش از حد دولت فاسد و ناکام افغانستان سوء استفاده می برند، یا درمورد صلح با طالبان از سیاست قند و قمچین (صرف از مجرای آی اس آی) آزاد سازی اسیران طالب به خواست و نیاز منافع خود! کارشکنی و عدم صداقت نشان میدهد و یا به ایجاد دفتر قطر ماهرانه مخالفت می نماید، عمق ستراتیژی آی اس آی ایجاد اختلاف و نفاق بیشتر و بی باوری بین نیرو های افغان است و بس. خویشتن را به هر یک " دایه مهربان تر از مادر " وانمود می سازد.

آدرس های تدویرکنندگان کنفرانس های صلح افغانستان، ترکیه، قطر، ترکمنستان نیز به وضاحت نشان دهنده علاقه مندی همین کشورها با کمپنی های نفتی چینی، امریکائی، می باشد. ادامه کنفرانس پاریس توسط نماینده خاص ملل متحد، در عشق آباد، به شدت از جانب دولت کابل رد گردید، زیرا نقشی دال بر دولت بودنش در این پروسه مطرح نمی باشد.

عده ای از هموطنان ما می دانند و در حافظه دارند که این تفاهمات و توافقات حاصل شده فوق، ادامه نتایج رقابت های ناسالم شرکت های بزرگ نفتی امریکائی، ارجنتائینی (یونیکال وبریداس) و دلتای عربی می باشد. که به خاطر محو نیرو های شرو فساد، جلب و جذب و حمایت نیروی طالبان در گرفتن امتیاز تمدید و اعمارلوله های گاز از ترکمنستان به پاکستان از راه افغانستان، در سال های حاکمیت طالبان باهم در ستیز بودند.

تحمل و تقبل شکیبائی ملت افغانستان در برابر دسایس، توطئه ها، مداخلات، ایجاد موانع، تخریب و سیوتاز این پروژه ها از جانب ایران و روسیه با تبانی تنظیم ها، در آن زمان، قابل دقت و توجه بوده، و امروز نیز یکی از عوامل عدم تطبیق پروژه های کلان چون بند برق سلما، کجکی و... صرف نظر از بی کفایتی رژیم، توسط ایران و پاکستان و عمال وطنی شان به ثمر نمی رسد.

نفت ساحه آمو دریا که توسط شرکت ملی نفت چین (سی-ان-پی-سی) استخراج می شود، در حال حاضر برای تصفیه به ترکمنستان فرستاده می شود، از جانب دولت افغانستان در ماه دسمبر ۲۰۱۲ این قرار داد برای ۲۵ سال با شرکت ملی نفت چین امضاء گردید. شرکت افغان- امریکائی اعلام کرده است که ۷۰۰ میلیون دالر را در بخش تصفیه خانه نفت سرمایه گذاری می کنند. به قرار گذارش ظرفیت این تصفیه خانه ۶۰ هزار بیرل نفت روزانه خواهد بود، که با آغاز کار تصفیه خانه حدود ۵۰ درصد نیازمندی نفتی کشور مرفوع خواهد شد. شرکت (اف- ام -کو) که سهم داران آن سرمایه داران افغان و امریکائی اند. تا اواخر همین سال کار این پروژه را شروع خواهند نمود. پیش بینی می شود که در این کارخانه بیش از ۱۰۰۰ نفر استخدام شود و برای حدود ۲۰ هزار نفر دیگر نیز به صورت غیر مستقیم شغل ایجاد خواهد شد.

پروژه نفتی آمودریا یکی از شش پروژه بزرگ نفتی در افغانستان است که بخش های از ولایات فاریاب، سرپل، جوزجان و افزون بر این، پنج محل بزرگ، نفت و گاز دیگر در قسمت هلمند، کنواز، هرات و کشک وجود دارد، پروژه نفتی افغان-تاجیک، که نفت آن حدود یک میلیارد بیرال برآورد شده است، نیز به زودی نهائی خواهد شد. براساس چندین ارزیابی انجام شده، منابع طبیعی افغانستان تا ۳ هزار میلیارد دالر برآورد شده است.

هموطنان آگاه وطن دوست: جای بس تأسف و خجالت خواهد بود که با آفتابی شدن نیات شوم همه خارجی ها اعم از کفر و مسلمان بیش از این درافتراق ما، متجاوزین و همسایه های مغرض و طامع، ملت با هم برادر ما را استعمال نمایند و دارائی های ما را به غارت برند. با توجه به این که هیچ یک از نیرو های سیاسی کشور کارنامه بدون عیب و نقص ندارند، و اعمال غیرمسئولانه سیاسی و وابستگی های روشن و آفتابی دارند، واز جانبی کلماتی چون آزادی، استقلال و... دیگر آن تعریف قرن ۱۹ را ندارد. و شما بهتر از دیگران وابستگی های پاکستان، ایران و همسایه های شمالی ما را مع الوصف ادعای آنچنانی شان می دانید.

بناءً با دوری از تعصب، افراط گرایی، بلند پروازی و خود محوری با درک و تعریف واحد از منافع ملی، جلوگیری از تجزیه کشور، وارثان این سرزمین می توانند با تعقل و وحدت نظر و عمل انشاء الله در کنار هم صاحب صلح و آرامش عادلانه و با ثبات شویم.

به امید این که از تجارب تلخ گذشته آموخته شود، و منحيث چراغ و نقشه راه برای آیندگان، مسؤولانه عمل گردد. قبل از همه، پیشنهاد یک آتش بس قابل اعتماد را بین طرفین درگیر به موقع می دانم، تا مردم بی گناه از حملات وحشیانه قوای خارجی، دولتی و حملات انتحاری و انفجاری نیروهای مقاومت مسلح در امان بمانند. همچنان به میزبانان صلح باید خاطر نشان ساخت؛ توافق نیروهای رقیب، با اشتراک اشخاص ثالث بالخیر افغان، که سوابق پاک و افتخارآمیز سیاسی غیر جانب دارانه داشته باشند، حتمی شمرده شده، میز مذاکره رایگانه و بهترین گزینه میدانیم. درغیاب ملت و درهای بسته سازش، تکرار اشتباه کنفرانس بُن خواهد بود، زیرا جایگاه اکثریت قاطع مردم غیرمسلح خالی باقی می ماند.

تغییر در قانون اساسی کشور صرف خواست طالبان، نبوده بلکه، همه نیروهای مدعی قدرت، در داخل و خارج نظام به شمول افراد وارد و آگاه و متخصص نکاتی در تعدیل بخش های قانون اساسی دارند. و اما اصل عمده تطبیق یکسان قانون است که باتأسف یکی از عوامل بدبختی موجود کشور عدم تطبیق قانون می باشد.

این قلم از دانشمندان، خبرگان و اهل سیاست، صمیمانه تقاضا به عمل می آورد، تا اشتباهات، نواقص، کمبود ها و خلاء ها را به دیده اغماض نگریسته و به عدم آگاهی ام بشمارید، تا خدای نا خواسته از حُب و بُغض کوردلانه که نیازی به آن ندارم در امان باشم. "کسی که شهادت نشان می دهد، شهادت می سازد". به این معنا که نشان دادن شهادت باعث ایجاد شجاعت در دیگران می شود. آرزو دارم شخصیت های فهیم و دانشمند اهل سیاست تا قبل از سال ۲۰۱۴ برای تصمیم عاقلانه و دور اندیشانه، نیروهای زورمند کارشجاعانه و خیر اندیشانه خویش را تشدید نموده تارضای حق تعالی حاصل گردد.

والله اعلم بالصواب

پایان

یادداشت:

ضمن ابراز خیر مقدم و امتنان خدمت هموطن بادر و دلسوز ما آقای "آشفته" به خاطر ارسال مطلب شان، ناگزیریم نکات آتی را که مبین مواضع انصراف ناپذیر پورتال در قبال قضایای افغانستان است، به ادامه بحث شان بیفزائیم:

[۱] ما برای مزدوران روس، نوکران پاکستان و ایران، امریکا و غرب استفاده از اصطلاحاتی چون "چپ"، "چپ افراطی"، "راست"، "راست افراطی"، "میان رو" و .. موافق نیستیم، زیرا آنها مزدور و وابسته به بیگانه بوده، از خود کدام مسلک و راه و روشی را نمایندگی نمی نمایند، بلکه گودی های کوک شده ای هستند که سمت و مسیر حرکت شان را بادران شان تعیین نموده و می نمایند.

[۲] پورتال افتخار دارد بنویسد که نه تنها از آغاز فعالیتش، بلکه متصدیان آن حتا پیش از به وجود آمدن پورتال، بازی با کلمات را که به وسیله استعمار به خورد مردم ما داده شده است، زودتر و اولتر از همه تشخیص و بی هراس در قبال آن موضع گرفته، هیچ گونه ملاحظه و سیاست بازی در قبال آنها از خود نشان نداده، تجاوز و اشغال را با همان غلظت و شناعت استعماری و ددمنشانه آن، آماج حملات خویش قرار داده و بعد از این هم قرار خواهد داد، به همین اساس ما به صراحت تذکر می دهیم که در پس کلماتی چون "قوای ائتلاف" و یا امثال آن، اشغالگران کوشیده اند تا ماهیت اشغالگرانه و جنایتکارانه شان را کتمان نمایند. بر ماست تا به خاطر احتراز در دامی که برای ما گسترده اند، افعال و اشیاء را به همان نامی یاد نمائیم که ماهیت آنها آشکار می سازد، یعنی اشغال را اشغال و اشغالگر را اشغالگر بنامیم و

از موضع یک افغان که میهن خود را دوست داریم، اگر توان برداشتن تفنگ را در مقطع کنونی برای آزاد سازی کشور نداریم، در بیان حالت فعلی آن در مقابل تمام رسانه های استعماری ایستاده با صراحت و بی پروا، ماهیت عملکرد اشغالگران آنها را تذکر بدهیم.

[۳] تمام تلاشهایی که دیروز و یا امروز به وسیله اشغالگران و ایادی آنها زیر نام کنفرانسهای صلح صورت گرفته و بعد از این صورت خواهد گرفت، همان طوری که آقای "آشفته" نیز به نیکوئی از آن تذکر داده اند، همه در غیاب ملت افغان بوده و می باشد. این که در پس هر نوع تلاشی تأمین منافع اقتصادی کشور های اشغالگر نهفته است، هر چند حقیقت مسلم و غیر قابل انکار می باشد، مگر نباید ما را از دیدن اهداف سیاسی استعمار باز بدارد. آنها طی چنین تلاشهایی نه تنها می خواهند منافع اقتصادی شان را تأمین و در آینده حفظ نمایند، بلکه با شریک ساختن تمام جنایتکاران در "دیگ بی صاحب افغانستان" به گفته همکار گرامی ما آقای موسوی، خیل کرگسانی اند که می خواهند سهم شان را از پیکر زخمی و خونین افغانستان در حالی تصاحب نمایند، که حاکمیت بلامنازع اشغالگران را به رسمیت شناخته باشند.

با حرکت از همین منظر برای ما، صحبت از صلح و حل سیاسی افغانستان، تا یک تن سرباز خارجی و نوکران قلاده به گردن آنها اعم از تمام طیفهای شامل در اداره مستعمراتی کابل، طالب و حکمتیار و متبای جنایتکاران در افغانستان وجود داشته باشد، نه تنها خاک به چشم مردم پاشیدن است، بلکه امریست محال و غیر قابل دسترسی. صلح و رفاه در افغانستان فقط زمانی می تواند متحقق گردد که پائینترین لایه های اجتماعی افغانستان، یعنی کارگران و دهقانان کشور در تحت هدایت نمایندگان سیاسی واقعی شان، جنگ تجاوز کارانه را با مبارزات آزادیخواهانه شان به جنگ رهائیبخش ملی تبدیل و با به پیروزی رسانیدن آن نبرد، پوزة امپریالیزم و ارتجاع را به خاک بمالند. به امید آنروز

با عرض حرمت

اداره پورتال AA-AA